

بسوی خدا میرویم

باهم بحج میرویم

اثر قلمی :

محمود طایفانی
میسزید

از نشریات مسجد هدایت
نیابان اسلامبول

بها : ۳۰ ریال

شرکت چاپخانه مسعودی

اکنون تا حدی بحقیقت این ساختمان و پایه و اساس آن آشنا شدیم، و آنرا قبه نورانی و رمز هدایت می‌نگریم که بالای زمین و در میان تاریکی و اوهام و ظلم و شهوات انسان برقرار شده و چون نمونه مجموعه عالم بزرگ و مظهر قدرت و حکمت و اراده پروردگار است خانه خداست و هر خانه‌ای که بنام خداست شعبه‌ای از آنست، پس حرکت بدنی و فکری بسوی آن، حرکت بسوی خدا میباشد.

ما هم میخواهیم هم آهنگ و همراه هزاران کاروانی بشویم که از آغاز تأسیس بسوی این خانه رفته‌اند، این مسافرت چون بسوی خدا و در جهت مقابل بادیست موانع و مشکلات زیادی دارد، باید چنین باشد قطع علاقه‌ها و جاذبه‌های زندگی برای خدا، پیمودن بیابان‌های خوفناک و مناسب نبودن طبیعت مزاج بیشتر مردم با آن محیط و هوا قسمتی از مشکلات است گرچه امروز راهها نزدیک و مدت مسافرت کوتاه و امنیت بیشتر شده ولی قوانین و مقررات حکومت‌ها مشکلاتی پیش آورده که در زمان سابق نبوده، امروز شما بهر جای دنیا که مسافت آن چندین برابر سفر حج است با خرج کمتر و آسایش بیشتر میتوانید مسافرت کنید، چرا این سفر چنین است؟ شاید بتوان گفت خدا خواسته است مشکل باشد، خواست خدا همین است که آنرا از خدا و برخلاف میل و شهوات مردم قرار دهد، اگر مرکز تجارت مال پرستان و تفریح عیاشان بود وسائل بهتر و مقررات کمتر می‌شد، دولت‌های مسلمان از مردمی تشکیل شده که بیشتر آنها مغز فهم‌دین ندارند و خیرات و برکات دین را برای تربیت مردم و اجتماع درک نمی‌کنند، اگر آلت بی‌اراده بیگانگان نباشند، خودباخته‌های تشکیلات و رسوم و آداب آنها می‌باشند تا حدی هم بی‌تقصیرند چون دین را در مظهر اجتماعات و حرکات عوامانه یا در صورت کسانی می‌نگرند که برای سیر کردن شکم و حفظ موقعیت موهوم در برابر هر مظهر بلاهت و شهوتی کرنش می‌نمایند و با هر ظالم و قلندری می‌سازند، اینها درس بازیگری بادی و باحیات معنوی و مادی مردم را به حکومت‌ها و سیاستمدارها عملی آموزش می‌دهند، باین جهت دولت‌ها و سیاستمداران تا آنجا بادی‌ها را همراهند و بآن تظاهر می‌نمایند که سپری برای

حفظ مقام و قدرت آنها باشد، و هر وقت از این سپر بی‌نیاز شدند روش خود را تغییر میدهند و روی واقعی خود را می‌نمایانند گرچه روی واقعی ندارند چون هزاران رودارند و از رو نمیروند، در چنین اجتماعات همیشه میان دستورات دین و مقررات دولت، و ملت و حکومت اختلاف است و کارها بتمیجه نمی‌رسد اکثریت ملت از دین خود دست برنمی‌دارد و دولت خود را باین تطبیق نمی‌نماید، دولت تا آنجا پیش می‌رود که سروکارش با ملت نباشد و دین تا آن حد اجراء می‌شود که متکی بدولت نباشد، امر حج یکی از وظایف دینی است که نظر و توجه دولت در حسن انجام آن بسیار مؤثر است و چون دولت توجهی ندارد بلکه موافقی می‌تراشد بسیار مشکل گردیده، امر حج تعطیل شدنی نیست هر کس که خود را مکلف باین امر دانست میکوشد که وظیفه را انجام دهد و از فوت آن نگران است، و مشاهده می‌شود پیمبران و اولیاء حق و زادگاه اسلام و زمین‌ها و مواضع تاریخی آن مورد آرزوی هر فرد مسلمان است، در برابر وظیفه و عشق موافقی که دولت‌ها درست یا نادرست می‌تراشند مؤثر نیست، و دولت‌ها در اثر این موافق موجب زیانهای مالی و جانی و حیثیتی مردم مسلمان میشوند، در این سال‌ها بیشتر بهانه دولت‌ها عنوان اقتصادیات و ارز است، دولت‌ها موضوع زیانهای اقتصادی را برای انجام وظیفه حج در کشوری مانع قرار میدهند که در هر ماه میلیونها پول آن کشور در مراکز فساد و فحشاء دنیا بعبا وین مختلف مصرف می‌شود و بجهت مردمی می‌رود که با همه شئون مادی و معنوی ما دشمنند، یک رقم بودجه سفارتخانه هائمی است که در کشورهای بیگانه تأسیس می‌نمایند که اعضاء و رؤسای سفارتخانه‌ها کاری جز آماده کردن خود و زینهای خود برای مهمانی‌های تشریفاتی و افتخاری ندارند و گفتگو و مشورت‌های آنان در اطراف همین چیزهاست، دول بزرگ سفارتخانه در کشورها تأسیس مینمایند تا از جزئی و کلی امور آن کشور و اخلاق و افکار مردم آن آگاه و مراقب رقباء باشند ولی از ما جز تشریفات و آلودگی خبری نیست، رقم دیگر پول‌های است که برای اشیاء تجملی و سلاحهای جنگی و فیلم‌های بی‌عفتی و هزارها از این قبیل بخارج می‌رود. در چنین کشوری انجام وظیفه حج را موجب ضرر اقتصادی می‌شمارند، اقتصاد یعنی چه و برای چه مطلوب است، مردمیکه ایمان و اخلاق ندارند آیا ثروت بصالح آنهاست؟ بی‌عفتی‌ها و وزشتی‌ها

آیا از ثروت‌مندان بدیگران نمیرسد؟ کسیکه در روز صدریال عایدی دارد پنجاه ریال آنرا مصرف زن و بچه بپچاره خود می‌نماید و پنجاه ریال دیگر را مصرف الکل و تریاک و هرزگی مینماید اگر پانصد ریال عایدی داشت آیا بوسیله این چیزها زودتر خودکشی نمی‌نماید، فکر و اخلاق مردم بچه وسیله باید اصلاح شود؟

یک نفر قاصد حج اگر با فرصت خود را آماده کند بیشتر وسائل غذا را دوا همراه بر میدارد و کرایه مرکب و وسیله را همین جا می‌پردازد، آن پول اندکیکه در کشورهای مسلمان خرج میکند بجهت برادران مسلمانان می‌رود که نسبت باو محبت و علاقه دینی دارند و بفکر استعمار هم نیستند و در موقع سخت هم چه بسا کمک کارند، برای یک فرد مسلمان، مسلمان ایرانی و مصری و عراقی و افریقائی و پاکستانی یکسان است، فرد مسلمان ایرانی یک مسلمان با ایمان عامل تونس را بخود نزدیکتر میدانند تا یک ایرانی نیم مسلمان غیر حامل را گرچه از خویشانش باشد، و خط موهومی که بنام سرحدات، سیاستمداران بدور او و برادرانش کشیده‌اند اثری در این رابطه ثابت و معنوی ندارد، مانع تراشی‌ها و سختگیری‌های دولت‌ها جز آنکه مردم را بدین نماید و گرفتار قاچاقچی‌ها گرداند و در معرض مرگ برد نتیجه‌ای ندارد، آبروی خودشان را در داخل و خارج می‌برند و مردم را بمشقت می‌اندازند، هر اندازه دولتی مورد توجه باشد مسلمانان او را مرجع دینی نمیدانند، اگر دولت‌ها بخواهند هم بمصلحت کشور و هم مطابق دستور دین رفتار نمایند، باید مجالس مشورتی از علماء دینی و مردان اداری تشکیل دهند و از هر جهت درباره این موضوع بحث نمایند و بان عده مردمی که استطاعت بدنی و مالی دارند اجازه دهند و با وسائل و آبرومندی در روزهای معین حرکت دهند، نه آنطور که یکسره مانع شوند و نه مردم را بحال خود رها کنند، چند سالی است کمیونی بنام حج تشکیل شده تا بحال کاری برای مشکلات این وظیفه دینی انجام نداده است، در سال گذشته ۱۳۳۰ از طرف دولت درباره حج نظری داده نشد مردمی بامید آنکه دولت ملی مساعدت خواهد نمود از اطراف بطهران آمدند دستور مقدمات هم داده شد، ما هم از کسانی بودیم که اوراقی بر کردیم پشت میزهای کلانتری و شهربانی ایستادیم آمپول ضد وبا و طاعون تزریق شدیم بیمار شدیم، ولی ناگهان از طرف دولت اعلام شد که بهداشت بین‌المللی خبر داده در چند کیلومتری سرحدات حجاز چند بیمار مشکوک دیده شده!! و بطور

خصوصی میگفتند برای وضع اقتصادی است ، ماهم بمراجع سیاسی رجوع کردیم ، گفتند امسال مردم از رفتن خودداری نمایند سال دیگر دولت با روش صحیحی اجازه خواهد داد ، سال ۳۰ گذشت هر کس وسیله ای داشت و توانست از راه دللهای اداره تذکره و سفارشها برای سال ۳۱ تذکره عراق گرفت رفقای ماهم تذکره عراقی گرفتند موسم حج نزدیک شد بامید دولت ملی از اطراف ایران از شهرها و دهات و قصبات مستطیعها بطهران روی آوردند ، از خانواده و خویشان و دوستان وداع کردند کارهای خود را مرتب نمودند ، مردم بدرقه شان کردند ، هر روز که میگذشت وقت تنگتر و جوش و هراس بیشتر میشد ، ناگهان اعلامیه های دولت در روزنامه هامنتشر شد که در سرحدات حجاز بیماریهای مشکوک دیده شده و بهداشت بین المللی تصدیق نموده ، مردم آماده بشدت متأثر و ناراحت شدند . برگشتن بر مردم ولایات خصوصاً کسانی که سال گذشته هم باسلام و صلوات آمده بودند سخت و ناگوار بود ، بهر قیمتی هست بسایند بروند ، در این موقع بازار قاچاقچیان و دللهای سفارتخانه و شهربانی بشدت گرم شد ، مراجع سیاسی و دینی و وکلای روحانی طهران تحت فشار واقع شدند و اغلب روی نشان نمیدادند ، وقت تنگ میشد ، پس از ملاقاتها بناء بر این شد که آقایان نمایندگان روحانی بارتیس دولت ملاقات کنند ، و تریبی بدهند ، ولی رفقای ما با همان تذکره های عراق تصمیم بجرکت گرفتند .

اولیاء و بزرگان دین برای سفر عموماً و سفر حج خصوصاً دستورات و آدابی بیان نموده اند که قسمتی از این دستورات برای مسافرت های سابق بوده و قسمت دیگر برای همیشه است ،

از جمله راجع باتنخاب روز هفته و ماه و ساعات شب و روز است - عقیده بتأثیر مستقیم مقارنات ستارگان و خصوصیات ایام در سر نوشت انسان با روح توحید و توکلیکه اساس تربیتی اسلام است منافات دارد ، و آیات صریح قرآن کریم در باره مسئولیت انسان نسبت بآثار عمل و توکل بخداوند ، و مبارزه با شرك ذاتی و افعالی و صفاتی با اعتقاد به تأثیر غیر عادی و معنوی مقارنات ستارگان و ایام سازگار نیست ،

در نهج البلاغه و کتابهای حدیث است که چون امیرالمؤمنین علیه السلام عازم جنگ نهران گردید اخترشناسی نزد آنحضرت آمد تا آنحضرت و اصحابش را از سفر در آن ساعت باز دارد ، پس از چند سئوالی که از او نمود ، فرمود کسیکه تو را تصدیق نماید از یاری خدا خود را بی نیاز دانسته ،